

من محبوبه سراج استم. من يك فرد افغان-امريكائى هستم و از سال ۲۰۰۳ به این سو در افغانستان زندگی می کنم.

در طول ۲۰ سال اخير، مردم افغانستان، خاصتا زنان و دخترانش، برای مساوات، حقوق بشر، حکومت همه جانبه، امنیت و صلح سخت مبارزه نموده اند.

ولی خروج عجولانه اتحادیه بین الملل دست آوردهای مانرا در خطر بزرگ و تحت تهدید قرار داده است.

گروه طالبان دوباره به سلطه قدرت رسیده اند و هر روز حقوق بشری و مدنی مانرا می زدایند. صد ها هزار افغان مجبور به فرار از افغانستان و در حالت نا معلوم در اماکن گوناگون جهان پناهنده اند. امروز در افغانستان زنان از صحن جامعه و حضور اجتماعی سلب شده اند، حتی تصاویر خانمان در اعلانات و بازارها با رنگ سیاه مستور شده است و مانکن های زنان در جلو دکان ها از سوی طالبان سر بریده شده است!

بنده و خواهران افغانم این زنگ خطر را از دهه های قبلی به گوش شورای امنیت ملل متحد رسانده بودیم. با دل رنجور امروز این جنایات را ذکر می کنم. اما ما خاموش نمی شویم، و شما مسؤلیت بزرگ وفاداری به تعهدات و وعده های که سالهای متمادی به مردم افغانستان داده اید را دارید.

بیانیه امروزی ام با توجه به مسؤلیت شورای امنیت، ملل متحد، و جامعه جهانی، و نیاز به حفظ حقوق و آوایی زنان افغانستان در گفتمان ها و جلسات مربوط به اوضاع و زمام داری در افغانستان تمرکز دارد.

لهذا من پیرامون محتویات آتی این را یادآور می شوم:

۱. وضعیت حقوق زنان

۲. بحران انسانی و نیازمندی مردم افغانستان

۳. بحران اقتصادی و بانکی

۴. طعاملات با گروه طالبان

جناب رئیس،

پس از چشیدن آزادی در ۲۰ سال گذشته از طرق شغل، تعلیم، ورزش، نواختن و آهنگ سرائی – در کمتر از شش ماه تمام حقوق مردم افغانستان، خاصتا آن زنان و دخترانش، در سراسر آن دیار کاملا سلب گردیده است. زمینه تعلیم و آموزش دختران با ممانعت و تسدید مواجه گردیده است.

طالبان خانمان را از مکاتب و تعلیمات ثانوی و عالی منع نموده اند. شمار زیاد یا مجبور به فرار از وطن شده اند یا در منازل و اماکن مختلف اسیر اند، و با خوف اینکه از خاطر مذهب، قومیت، فعالیت، یا گرایش جنسی خود از سوی گروه طالبان هدف قرار گرفته می شوند. زنان قاضی، که روزی از سوی جامعه جهانی اجلال می شدند، امروز در تهدید و فرار از سوی مجرمین اند.

زنان باید با محرم سفر کنند. یعنی بدون همراهی مرد نمی توانند آزادانه حرکت کنند و این نه تنها فعالیت و حرکات ایشان را محدود نموده است بلکه فرصت زیست و پیش بردن حیات معمولی آنان را نیز سخت محدود نموده است.

صادر نمودن این حکم خانمان را از حاضر شدن برای معاینات صحتی، محفوظ گشتن از خشونت های خانوادگی، و دریافت کار و درآمد مانع شده است. در ملک که ملیون ها زن یگانه نان آور برای خانواده های خود می باشند، این حکم حیات ملیون ها انسان را در خطر قرار داده است.

هر چند که به نظر می رسد، جامعه جهانی پشت خود را به ما گردانیده است ولی ما هنوز مبارزه می نمائیم. تظاهرات مان جاریست، گرچه با سلاح و خشونت مواجه می شویم. ما هر روز برای آزادی، عدالت، و برای ختم خشونت و استعمار مردمان مبارزه می کنیم. ولی ما به کمک های سیاسی و مادی شما نیازمندیم تا حقوق و آزادی همه شمول مردم افغانستان را تأمین کنیم. ما خواهانیم که شما از ما حمایت کنید و تعهد نمائید که زنان افغانستان در جلسات تصمیم گیری راجع به افغانستان سهم و رسمیت داشته باشند. همچنان طالبان باید حکم سفر نمودن با محرم را نسخ کنند و آزادی و دسترسی زنان و دختران افغانستان برای تعلیم، مراجعات صحتی، و شغل در تمام عرصه ها محفوظ باشد. لزوماً به مسؤلیت کشیدن طالبان و ارزیابی بیامون مبحوس و ناپدید شدن زنان فعال حقوق بشر چون تمنا زریاب پرینج و پروانه ابراهیم خیل می باشد. زنانی که تظاهرات را در راه انداخته اند و دیگرانی که ضد ظلم و خشونت طالبان مبارزه می نمایند. زیرا باید راجع به ناپدید شدن عالیه عزیز می سؤال شود. شما نمی توانید راجع به این حقایق خاموش باشید و در عین حال بگویید که از ما حمایت می نمائید.

جناب رئیس،

ما در يك بحران بزرگ قرار داریم و نا بسامانی های فراوان جاریست. با تحمیل قدرت طالبان، فقر و گرسنگی به مراتب افزایش یافته است. بیشتر از نیم نفوس افغانستان در حال حاضر محتاجند و به نان و آب دسترسی ندارند – این آمار بی سابقه است! عده از فامیل ها محتاج به فروش دختران خردسال خود، حتی دختران نه ساله، شده اند تا اینکه پول به دست بیاورند. بعض دیگر دختران خورده ساله خود را مجبور به ازدواج می نمایند تا از طریق دریافت مهریه بتوانند غذا در آورند و به معالجات صحتی بپردازند.

تحمیل نمودن قیودات از سوی طالبان سرپرستان و متخصصین صحتی را از انجام دادن خدمات صحتی محدود ساخته است و همچنان فروپاشیدن خدمات و حفاظت علیه خشونت برای خانمان افغانستان از سوی طالبان باعث شده است که خانمان دسترسی به خدمات اهم نداشته باشند و حیانتشان را در معرض خطر قرار می دهد. شفاخانه های مان فاقد وسائل ضروری، ادویه، به شمول تست های کووید-۱۹، امکانات برای سلامت بارآوری می باشد. این فقدان آمار تلفات مادران باردار را در ردیف افزایش قرار خواهد داد.

در طول پنج ماه اخیر با زوال اوضاع درونی افغانستان و بحران های پی در پی، پرسش مردم افغانستان این بوده است که چرا این بدبختی بالای ما آمده است؟ جامعه جهانی و دیگر ارگان ها هیچ پاسخی به این پرسش ندارند.

شورای امنیت، جامعه جهانی، و ملل متحد مسؤلیت تأمین نمودن و رساندن کمک های بشر دوستانه برای رفع مشکلات کنونی و جلوگیری افزایش آنرا با تمام قدرت و قول خود را دارد. مساعدت باید برای تمام مردم افغانستان، خاصاً زنان، اقلیت ها، و دیگر توده های مظلوم برسد.

برای تضمین این مرام، جمله فعالان مدنی و کمک های بشردوستانه، به شمول خانمان، باید اجازه ایفائی آزادانه وظایف خویش را بدون هیچ گونه تهدید، اخطار، و با تأمین امنیت داشته باشند. همچنان جامعه جهانی باید تولیدات تمام کمک های بشردوستانه برای افغانستان را از طریق بنیاد های شناخته شده و مردمی هماهنگ کند و نه از طریق گروه طالبان و ارگان های متعلق به آنان. مشاورت با بنیاد های زنان برای طرح و نیز پیاده نمودن این کمک های بشر دوستانه باید به طور مدام و منظم انجام بگیرد.

جناب رئیس،

گرچه کمک های بشر دوستانه برای رفع مشکلات کوتاه مدت بسیار مهم است، بیامون فروپاشی اقتصاد و سیستم بانکی افغانستان نیز باید حرف بزنیم. در حال حاضر، مردم افغانستان باید برای ساعات طویل در قطار بایستند تا بتوانند پول اندک را که برای استخراج در آن روز اجازه داده شده است را دریابند. بهای لوازم چون گندم، برنج، شکر، و روغن روز به روز بلند می رود. از ماه آگست به این سو نیم ملیون شغل از دست رفته است و اکثر اوقات این ضرر بلخصوص برای خانمان حاکمیت. بعد از گرفتن قدرت از سوی طالبان، از دست دادن بی سابقه و مهاجرت نخبگان و متخصصین عدم اشخاص با استعداد برای انجام دادن بسیاری از کارها يك حقیقت انکارنا پذیر است. به قدرت آمدن گروه طالبان باعث این همه فروپاشی شده است.

هر چند سیستم بانکی باز فعال گردد و نیاز های تولیداتی بهبود یابند، حضور و فعالیت زنان در عرصه کار و جامعه مدنی برای موفقیت اقتصاد افغانستان دارای اهمیت و وجوب است. اشتراك زنان در نیروی کار از سال ۲۰۰۹ به این سو پی در پی افزایش یافته است.

ما شريك در موفقیت و رونق اقتصاد افغانستان بودیم. ما مبتکران، نان آوران، و مالیات پردازان بودیم. در حقیقت، ممانعت نمودن طالبان علیه شغل داری زنان بیشتر از يك بلیون دالر از درآمد سالانه کشور را کاهش خواهد داد.

مردم افغانستان بر خلاف جهل طالبان قائل به حق زنان برای کار و فعالیت در اجتماع هستند. شورای امنیت، ملل متحد، و جامعه جهانی باید حق زنان را برای داشتن کار و اشتراک آزاده در جامعه، ارائه نمودن مالیات برای حمایت دسترسی دختران و خانمان به درس و تعلیمات عالی، حقوق اقتصادی، مشارکت و مشاورت زنان برای طراحی حل بحران اقتصادی افغانستان را فراهم نمایند.

اکنون به نکته آخر و اهم خود می رسم. مردم افغانستان، بخصوص زنان، معمای جامعه جهانی پیرامون اینکه چگونه با طالبان تعاملات داشته باشیم و در عین حال دشواری های کنونی و نیز آرمان های آینده افغانان را در نظر بگیریم را خوب درک می کنند.

مردم افغانستان نباید مجازات شوند در بحرانی که خود شخصا ایجاد نکرده بودند. ولی در عین حال، طالبان نباید مردم افغانستان را اسیر بگیرند تا اینکه از جامعه جهانی باجگیری کنند.

لذا در نفع کامل همه مان است که يك حضور چشم گیر جامعه جهانی از طریق هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، که بتواند چشم و گوش مان باشد، و پیرامون اوضاع کشور و اینکه آیا طالبان واقعا وفا دار به تعهدات منطقی و جهانی خود هستند یا نه.

در این برهه، مسؤلیت مذکور دارای اهمیت و الائی می باشد. چونکه جامعه مدنی، رسانه ها و خبرنگاران، و سازمان های غیر دولتی نمی توانند اینرا آزادانه اجرا نمایند. یوناما برای تعاملات با طالبان برای حل این بحران به نفع مردم افغانستان و وجوب اشتراک و مشاورت مردم افغانستان از افشار و اقوام، و محل متفاوت نقش مهم را می تواند ایفا نماید.

در عین حال، جامعه جهانی نباید از آوردن فشار و وادار ساختن طالبان برای تغییرات بنیادی خودداری کند. حقوق بشر، حقوق زنان، و مسؤلیت باید در همه مباحث پیدا و بنیادین باشد. تعهدات واضح برای هر گونه کمک مالی و همکاری باید برپا باشد و حقوق و نیازهای مردم افغانستان، به شمول زنان، دختران، و اقلیت ها باید توجه اولی را داشته باشد. شما بر اهمیت حفظ تمام حقوق بشری از طریق تصویب ماده ۲۵۹۳ تأکید ورزیدید. اکنون باید آنرا عملی کنید.

بلاخره، جامعه جهانی نباید هیئت های که در آن هیچ زنی سهم نیست برای دیدار با طالبان بفرستد. این گونه هیئت ها حاکی این اند که جامعه جهانی نه به حقوق و نه به نظریات مان قدری قائل است. فرستادن زنان خارجی کفایت نمی کند و ما باید روند حکومت همه جانبه برای و با مردم افغانستان بنیادگذاری کنیم. حضور پر رنگ زنان افغان – خاصتا از جامعه مدنی – باید بخش مهم گفتمان های جاری با طالبان باشد.

جناب رئیس،

من نه اولین و نه آخرین زن افغان هستم که به حضور این شورا سخنرانی بکنم. مگر این بار، امیدم این است که اعضای این شورای ارجمند و جامعه جهانی حرف و حالت مانرا جدی بگیرد.

گرچه نمی توانیم وقت را برگردانیم، ولی می توانیم مسیر و فعالیت خود را برای آینده دگرگون کنیم. تصدیق نمودن اینکه زنان افغانستان سهم و بخش آینده آزاد مملکت مان باشند، يك گام بسا مهم و ضروریست.

سپاسگزارم.